

اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی بر رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و توانمندی‌های منشی در زنان دارای اختلال ملال پیش از قاعدگی

The Effectiveness of group-based positive psychotherapy on Gender- sexism events and character strengths in Women with Premenstrual Dysphoric Disorder

Yalda HabibiLakari

Department of Psychology, Ard.C, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

Dr. Somayyeh Taklavi *

Department of Psychology, Ard.C, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

staklavi@iau.ac.ir

Dr. Reza Kazemi

Department of Psychology, Ard.C, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

یلدا حبیبی‌لشکری

گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

دکتر سمیه تکلوی (نویسنده مسئول)

گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

دکتر رضا کاظمی

گروه روان‌شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

Abstract

The aim of this study was to determine the effectiveness of group-based positive psychotherapy on sexism events and character strengths in women with premenstrual dysphoric disorder. The method of this study was a quasi-experimental design with a pre-test-post-test design and a control group. The statistical population was women with premenstrual dysphoric disorder referring to psychiatric centers, counseling centers, and health homes in Siakhkal city in the second half of 2023, of which 39 people were selected by convenience sampling and were randomly assigned to two experimental groups (n=19) and control group (n=20). The experimental group received a positive group psychotherapy intervention based on the therapeutic package during eight 90-minute sessions, one session per week. Information collection tools premenstrual symptoms screening tool (PSST, Steinner & Brown, 2003), the schedule of sexist events (SSE, Klonoff & Landrine, 1995), and Values in Action Inventory of Strengths scale (VIA-IS, Seligman & Peterson, 2004). Data analysis was performed using multivariate analysis of covariance. The findings showed that there was a significant difference at the 0.01 level between the mean of the pretest and posttest of sexism events and character strengths in the two experimental and control groups, after controlling for the pretest effect. The results of this study indicate the usefulness of group-based positive psychotherapy on sexism events and character strengths in women with premenstrual dysphoric disorder, and it can be used as an effective intervention method in improving sexism events and character strengths.

Keywords: Character Strengths, Sexism Events, Premenstrual Dysphoric Disorder, Group-Based Positive Psychotherapy.

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی بر رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و توانمندی‌های منشی در زنان دارای اختلال ملال قبل از قاعدگی بود. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری زنان مبتلا به اختلال ملال قبل از قاعدگی مراجعه‌کننده به مراکز روانپزشکی و مراکز مشاوره و خانه‌های بهداشت شهرستان سیاهکل در نیمه دوم سال ۱۴۰۱ بودند که از این بین تعداد ۳۹ نفر به روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش (۱۹ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) به صورت تصادفی ساده جایگذاری شدند. گروه آزمایش مداخله روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی در طی هشت جلسه ۹۰ دقیقه‌ای و به صورت هفته‌ای یک جلسه دریافت کردند. ابزارگردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه غربالگری علایم قبل از قاعدگی (PSST، استینر و براون، ۲۰۰۳)، پرسشنامه رویدادهای تبعیض-آمیز جنسیتی (SSE، کلونوف و لندرین، ۱۹۹۵) و مقیاس توانمندی‌ها و فضایل منش (VIA-IS، سلیمان و پترسون، ۲۰۰۴) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیره صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که با کنترل اثر پیش‌آزمون بین میانگین پس‌آزمون رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و توانمندی‌های منشی در دو گروه آزمایش و گواه تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. نتایج حاصله بیانگر سودمندی روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی بر بهبود رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و توانمندی‌های منشی در زنان دارای اختلال ملال قبل از قاعدگی بوده و می‌توان از آن به عنوان یک روش مداخله‌ای موثر در بهبود رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و توانمندی‌های منشی سود جست.

واژه‌های کلیدی: توانمندی‌های منشی، رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی، اختلال ملال قبل از قاعدگی، روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی.

کارکردهای چرخه زیستی و ترشح بسیاری از هورمون‌ها در تعادل حیاتی ارگانیزم نقش اساسی دارند (کیلی^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). یکی از مهم‌ترین چرخه‌های زیستی خاص زنان، سیکل قاعدگی^۲ است. قاعدگی در ایجاد تعادل حیاتی نقش مهمی دارد و تغییرات در کیفیت آن می‌تواند بر شرایط جسمانی و روانی زنان تأثیرات گوناگونی داشته باشد (بیگس و دموث^۳، ۲۰۲۱). بسیاری از زنان در سن باروری در هفته‌های قبل از قاعدگی برخی از ناراحتی‌های فیزیکی یا بی‌قراری را تجربه می‌کنند. تأثیر این تجربه ناخوشایند بر کیفیت زندگی، یک جنبه مهم از تعریف اختلال ملال قبل از قاعدگی^۴ محسوب می‌شود (لارا و راسلا^۵، ۲۰۲۲). در واقع اختلال ملال پیش از قاعدگی حالتی بسیار شدیدتر از سندرم پیش از قاعدگی و اختلال ملال پیش از قاعدگی هر دو با نوسانات هورمونی در طول چرخه قاعدگی مرتبط هستند، اما تفاوت‌های کلیدی بین آن‌ها وجود دارد. سندرم پیش از قاعدگی علائمی را تجربه می‌کند که معمولاً نارسایی عملکردی را شامل نمی‌شوند، در حالی که اختلال ملال پیش از قاعدگی علائم شدیدتر و اختلال عملکردی را تجربه می‌کند. اختلال ملال پیش از قاعدگی در واقع یک اختلال روان‌تنی است که عملکرد اجتماعی، شغلی و جنسی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (انجمن روانپزشکی آمریکا^۶، ۲۰۲۲؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۴۰۲). به بیانی دیگر اختلال ملال پیش از قاعدگی به بروز تغییرات سریع، تحریک‌پذیری، ملال و علائم اضطرابی اشاره دارد که مکرراً در حین مرحله پیش از چرخه قاعدگی هر دوره اتفاق می‌افتد و در حول و حوش شروع خونریزی یا بلافاصله پس از آن شروع به فروکشی می‌نماید و این علائم گاهی با علائم جسمانی و رفتاری همراه است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۲۲؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۴۰۲). براساس یک مرور سیستماتیک جدید شیوع این اختلال در دامنه بین ۳/۲ درصد تا ۷ درصد گزارش شده است (ریلی^۹ و همکاران، ۲۰۲۴).

وجود مشکلات ناشی از اختلال ملال قبل از قاعدگی می‌تواند سلامت روانی زنان را تحت تأثیر قرار دهد (گائو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۱؛ آنا^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۲). لذا وجود چنین مشکلاتی می‌تواند موجب گردد تا زنان به خاطر جنسیت خود دچار ناراحتی گردند که این عامل زمینه بروز ناراحتی از جنسیت و به نوعی موجب رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی^{۱۲} در زنان گردد. چنانچه در این خصوص نتایج مطالعات شنبدی و ارشدی (۱۳۹۶) نشان داد که بین رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی با آشفتگی روانشناختی همبستگی معناداری وجود دارد. در واقع رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی، یک رویداد شایع است که زنان مکرراً آن را تجربه می‌کنند (یوراسو^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۴). تبعیض جنسیتی می‌تواند به دو شکل متضاد رخ دهد: تبعیض جنسیتی خصمانه که شامل این باور است که زنان تهدیدی برای موقعیت مردان هستند (کافمن^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۸) و تبعیض جنسیتی عذوفت‌آمیز که نشان دهنده باور مثبت درباره صفات زنان است که اساساً زنان را برای نقش زبردست مناسب می‌داند (لی^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۲).

کلونوف و لندری^{۱۶} (۲۰۰۰) رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی را اقدامات یا رویدادهای تبعیض‌آمیزی که برای زنان به خاطر زن بودنشان اتفاق می‌افتد، تعریف کرده‌اند. پژوهشگران با بررسی انواع رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی گزارش شده توسط زنان، آن‌ها را در سه طبقه گروه‌بندی کرده‌اند: ۱- اظهارات تبعیض‌آمیز و پیش‌داوری مرتبط با تصورات قالبی نقش‌های جنسیتی سنتی؛ ۲- رفتار غیرمنصفانه

1. Kelly
 2. Menstrual cycle
 3. Biggs & Demuth,
 4. perimenstrual dysphoric disorder
 5. Lara & Rossella
 6. premenstrual syndrome
 7. Takeda
 8. american psychiatric association
 9. Reilly
 10. Gao
 11. Anna
 12. sexism events
 13. Yurrebaso
 14. Coffman
 15. Le
 16. Klonoff & Landrine

و تحقیرآمیز؛ ۳- توجه جنسی ناخواسته و ناخوشایند یا ابزارنگری جنسی (لی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). در این خصوص کوهن^۲ و همکاران (۲۰۲۰) یکی از عامل‌های تاثیرگذار در شیوع اختلال ملال پیش از قاعدگی را تبعیض جنسی معرفی کرده‌اند.

بعلاوه وجود اختلال ملال قبل از قاعدگی به سبب ایجاد محدودیت در کارکردهای اجتماعی این زنان، می‌تواند توانمندی‌های منش^۳ آنان را تأثیر بگذارد. توانمندی‌های منش فرد صفات مثبتی در افکار، احساس و رفتار هستند که شناسایی آن‌ها به زندگی خوب کمک می‌کند. برخی افراد، توانمندی‌ها را در زندگی روزانه خود به کار می‌برند و برای آنان پاداش‌دهنده و رضایت‌بخش است و به پیامدهای مثبتی برای خود و دیگران منجر می‌شود (رشید و نیمیک^۴، ۲۰۲۴). از اقدامات مبتکرانه جنبش روانشناسی مثبت‌گرایی، گسترش طبقه‌بندی توانمندی‌هاست که به درک هرچه دقیق‌تر فضایل آدمی به‌طور خاص می‌پردازد (خسروجردی و همکاران، ۱۳۹۹). طبقه‌بندی پیشنهادی پترسون و سلیگمن^۵ (۲۰۰۴) شامل ۲۴ توانمندی و شش فضیلت است. توانمندی‌های منش، موضوع محوری روانشناسی مثبت است که تلاش می‌کنند با استفاده از مداخلات توانمندی‌ها، بهزیستی و عملکرد افراد را افزایش دهند. شناسایی و کاربرد توانمندی‌ها به رشد فکری افراد کمک می‌کند. واگنر و راج^۶ (۲۰۲۳) بیان کرده است که توانمندی‌های منش می‌تواند فرد را در شرایط دشوار به‌خوبی محافظت کرده و او را در مسیر شکوفایی قرار دهد. براین اساس، زمانی که زنان مبتلا به اختلال ملال قبل از قاعدگی بتوانند به توانمندی‌های منشی مناسبی دست یابند، می‌توانند زمینه ساز رشد و شکوفایی خود، علیرغم وجود مشکل مربوط به حیطه‌های جسمانی و روانشناختی و اجتماعی (گانو و همکاران، ۲۰۲۱؛ آنا و همکاران، ۲۰۲۲) گردند.

به طور کلی، وجود اختلال ملال قبل از قاعدگی به سبب ایجاد تحریک‌پذیری، ملال و علائم اضطرابی که برای فرد به همراه دارد (محبوبی‌دهنوی و همکاران، ۲۰۱۷) و زمینه ساز مشکلات بسیاری در حیطه‌های فردی، اجتماعی، روانشناختی شده، که این مشکلات می‌تواند از سوی بر افزایش اختلال ملال قبل از قاعدگی دامن زنند و از سوی دیگر سلامت روانی فردی را به شدت دچار مخاطره کند. براین اساس، انجام مداخلات روانشناختی که بتواند، یاری‌گر این افراد باشد، بسیار مهم است. به خصوص اینکه مطالعات روانشناختی اندکی در خصوص این بیماران صورت گرفته است. در این راستا، یکی از روش‌های مداخله‌ای که مورد توجه، روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی^۷ است. روانشناسی مثبت‌نگر عنوان جنبش و رویکرد جدیدی در روانشناسی است که در راستای دستیابی به اهداف ناتمام و مغفول مانده گستره روانشناسی پدید آمده است. مبدع این رویکرد علمی و عمل‌گرا، مارتین سلیگمن است (سلیگمن، ۲۰۱۱). رشید و سلیگمن (۲۰۱۱) برنامه درمانی مثبت‌نگر را رویکردی می‌دانند که در آن مستقیماً به ایجاد و تقویت احساسات و عواطف مثبت، نقاط قوت و معنا در زندگی مراجع به منظور جبران آسیب‌های روانی و افزایش میزان شادکامی توجه می‌شود. بنابراین، روانشناسی مثبت‌نگر تلاشی برای تشویق روانشناسان به اتخاذ دیدگاهی بازتر و پذیراتر در قبال توانایی‌های بالقوه، انگیزه‌ها و قابلیت‌های انسانی است. روان‌درمانی مثبت‌نگر به عنوان رویکرد تازه‌ای در روانشناسی، بر فهم و تشریح بهزیستی و همچنین پیش‌بینی دقیق عواملی که بر آن‌ها موثرند، تمرکز دارد، اهداف اصلی روان‌درمانی مثبت‌نگر این است که به جای توجه مفرط به ضعف‌های انسان، بر نیروهای ماند شاد زیستن، لذت بردن، قدرت حل مسئله و خوش‌بینی تمرکز شود (رشید، ۲۰۲۴).

روان‌درمانگران مثبت‌نگر، در عین حالی که در بحث با مراجع، هیجان‌ها و خاطرات مثبت را استخراج و مطرح می‌کنند، با هدف ترکیب و عرضه هیجان‌های مثبت و منفی باهم، در زمینه مشکلات درمانجو نیز درگیر می‌شوند (رشید و سلیگمن، ۲۰۱۸). چنانچه رشید (۲۰۲۴) بیان کرده است که برنامه‌های روان‌درمانی مثبت‌نگر با تقویت بنیه روانشناختی افراد آن‌ها را در برابر فشارها مقاوم می‌کند. در خصوص نقش درمان مذکور بر روی متغیرهای مورد پژوهش قابل بیان است که آموزش فنون و مهارت‌های مثبت‌اندیشی به افراد، به منظور تقویت و بهبود ارتباط مثبت با خود، دیگران، دنیا و نیز افزایش شادکامی و خوش‌بینی انجام می‌گیرد تا افراد خود را بهتر شناخته و تجربه‌های مثبت خود را بازشناسند و به نقش این تجارب مثبت در افزایش و ارتقای احترام به خود پی ببرند. لذا وجود چنین تجربه‌ای می‌تواند زمینه مناسبی برای تغییر در شکوفایی و افزایش توانمندی‌های منشی و بهبود نگرش جنسیتی خویش ایجاد نماید (رشید، ۲۰۲۴).

1. Le
 2. Cohen
 3. character strengths
 4. Rashid & Niemiec
 5. Peterson & Seligman
 6. Wagner & Ruch
 7. group-based positive psychotherapy

نتایج چندین مطالعه بر تاثیر این روش درمانی بر توانمندی‌های روانشناختی (هندراکس^۱ و همکاران، ۲۰۲۱)، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی زنان افسرده (نوریان و همکاران، ۲۰۲۲)؛ بهزیستی اجتماعی و بهداشت روان (کریفا^۲ و همکاران، ۲۰۲۱) اشاره کرده‌اند. با این وجود مطالعات بسیار اندکی در خصوص تاثیر این روش درمانی بر رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و توانمندی‌های منشی در زنان دارای اختلال ملال قبل از قاعدگی پرداخته‌اند. لذا خلاء پژوهشی محسوسی در این خصوص وجود دارد. بعلاوه اینکه شیوع بالای اختلال ملال قبل از قاعدگی و مشکلات ناشی از آن برای فرد می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات عدیده‌تری گردد، لذا اهمیت و ضرورت انجام مطالعه برای این افراد بسیار مبرم است. براین اساس هدف از انجام پژوهش حاضر تعیین اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی بر رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و توانمندی‌های منشی زنان دارای اختلال ملال قبل از قاعدگی بود.

روش

روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری این مطالعه شامل زنان مبتلا به اختلال ملال قبل از قاعدگی بود که به منظور دریافت خدمات درمان پزشکی/ روان‌درمانی به مراکز روانپزشکی و مراکز مشاوره و خانه‌های بهداشت شهرستان سیاهکل در نیمه دوم سال ۱۴۰۲ مراجعه کرده بودند. حجم نمونه مورد پژوهش ۳۹ نفر از افراد جامعه آماری مذکور بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش (۱۹ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) به صورت تصادفی ساده گمارده شدند. این افراد تشخیص اختلال ملال قبل از قاعدگی را توسط روانپزشک دریافت کرده بودند. اما به منظور تشخیص دقیق‌تر از پرسشنامه غربالگری علایم قبل از قاعدگی استینر و براون^۳ (۲۰۰۳) نیز استفاده شد. در این پرسشنامه دریافت نمرات بالاتر از ۱۹ نشانگر وجود اختلال ملال قبل از قاعدگی است (استینر و براون، ۲۰۰۳). در پژوهش‌های آزمایشی حداقل تعداد نمونه ۱۵ نفر پیشنهاد شده است (دلاور، ۱۳۹۹). ملاک‌های ورود عبارت از: تکمیل فرم رضایت‌نامه شرکت در پژوهش، داشتن اختلال ملال قبل از قاعدگی براساس غربالگری از طریق پرسشنامه، داشتن حداقل سواد سیکل به منظور پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، عدم ابتلاء به مشکلات روانشناختی حاد دیگر (براساس پرونده فرد و مصاحبه پژوهشگر) و ملاک‌های خروج نیز عبارت از: عدم تمایل به ادامه شرکت در طول برنامه درمانی، عدم تکمیل کامل پرسشنامه‌ها در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون، شدت یافتن بیماری، غیبت دو جلسه متوالی در برنامه درمانی و دریافت برنامه روان‌درمانی دیگری در خصوص اختلال ملال قبل از قاعدگی بود. به منظور گردآوری داده‌ها بعد از انتخاب و جایگماری آنان در گروه آزمایش و کنترل، اهداف پژوهش برای آنان توضیح داده شد. از هر دو گروه پیش‌آزمون به عمل آمد. بعد گروه آزمایشی مورد مداخلات آموزشی قرار گرفتند (طی ۸ جلسه‌ی ۹۰ دقیقه‌ای و هفته‌ای یکبار براساس پکیج آموزشی روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی کونیلیم، ۱۹۹۵) و گروه کنترل بدون هیچ مداخله‌ای باقی ماندند. ارائه آموزش درمانی برای گروه آزمایش در موسسه پرتو آرامش و توسط دانشجوی دکتری روانشناسی انجام شد. ملاحظات اخلاقی مورد توجه در این پژوهش شامل دریافت نمودن کد اخلاق از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل با شناسه اخلاق IR.IAU.ARDABIL.REC.1401.106؛ دریافت رضایت‌نامه‌کتبی شرکت در پژوهش، محرمانه ماندن اطلاعات شرکت‌کنندگان و اجرای درمان به صورت فشرده (دو جلسه در هفته)، برای گروه کنترل بعد از اتمام تحقیق بود. در نهایت بعد از اتمام جلسات آموزشی، شرکت‌کنندگان (از طریق پرسشنامه) مورد پس‌آزمون قرار گرفتند. بدین صورت اطلاعات جمع‌آوری و توسط نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و با آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره (MANCOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه غربالگری علایم قبل از قاعدگی^۴ (PSST): این پرسشنامه توسط استینر و براون (۲۰۰۳) به منظور بررسی علایم قبل از قاعدگی طراحی شده است. این پرسشنامه شامل ۱۹ گویه است. برای هر سؤال ۴ معیار اصلا، خفیف، متوسط و شدید ذکر گردید که از صفر تا ۳ نمره بندی شدند. روایی محتوایی این پرسشنامه توسط سازندگان برابر ۰/۷۹ و پایایی آن با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ گزارش شده است (استینر و براون، ۲۰۰۳). این پرسشنامه در ایران توسط سیه‌بازی و همکاران (۱۳۹۰) مورد استاندارد سازی قرار گرفت و پایایی این ابزار با آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد. مقادیر نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا به ترتیب ۰/۷۴

1. Hendriks

2. Krifa

3. Steiner & Brown

4. premenstrual symptoms screening tool

و ۰/۸۱ حاکی از روایی محتوایی این پرسشنامه است (سیه بازی و همکاران، ۱۳۹۰). در مطالعه حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۷۳ به دست آمد.

پرسشنامه رویدادهای تبعیض آمیز جنسیتی^۱(SSE): پرسشنامه رویدادهای تبعیض آمیز جنسیتی یک پرسشنامه خودسنجی و دربرگیرنده ۲۰ گویه است که توسط کلونوف و لندری^۲ (۱۹۹۵) طراحی شده است. این پرسشنامه در مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای (۱= رویداد هرگز اتفاق نیفتاده است تا ۶=رویداد تقریباً همیشه اتفاق افتاده است) پاسخ داده می‌شود. هر ماده در پرسشنامه رویدادهای تبعیض آمیز جنسیتی دوبار پاسخ داده می‌شود، یکبار برای ارزیابی میزان رویدادهای تبعیض آمیز جنسیتی در طی زندگی و یکبار برای ارزیابی میزان این رویدادها در سال گذشته (کلونوف و لندری، ۱۹۹۵). پایایی این پرسشنامه در مطالعه کلونوف و لندری (۱۹۹۵) با استفاده از روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی (۱ ماهه) به ترتیب برابر ۰/۸۶ و ۰/۷۹ گزارش شده است. همچنین روایی سازه‌ای آن برابر ۰/۷۲ گزارش کردند. در ایران نیز یعقوبی‌هشجین و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی روایی و پایایی، آلفای کرونباخ آن را برابر ۰/۹۰ گزارش کردند. همچنین نتایج تحلیل عاملی نشان داد که این پرسشنامه دارای ساختاری ۳ عاملی (تجربه‌های شخصی مرتبط با تبعیض جنسیتی، تبعیض جنسیتی در روابط دور و تبعیض جنسیتی در محیط کار) می‌باشند. همچنین، ضرایب همبستگی بین عامل‌های استخراج شده از مقیاس رویدادهای تبعیض آمیز جنسیتی با خودناتوان سازی در دامنه (۰/۶۱- تا ۰/۱۲-) و خودکارآمدی عمومی (۰/۵۸- تا ۰/۲۵-) گزارش کردند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۶۸ به دست آمد.

مقیاس توانمندی‌ها و فضایل منش (ارزش‌های عملی) (VIA-IS^۳): مقیاس اصلی این مقیاس که توسط سلیگمن و پترسون (۲۰۰۴) ساخته شده است دارای ۲۴۰ گویه بوده که با استفاده از آن می‌توان ۲۴ توانمندی مثبت منشی را سنجید. با توجه به تعداد زیاد گویه‌های فرم کوتاه ۴۸ گویه‌ای از این مقیاس تدوین و به کار برده شد (سلیگمن و پترسون، ۲۰۰۴). در پژوهش حاضر نیز فرم ۴۸ گویه‌ای استفاده شد. نمره‌گذاری این پرسشنامه در مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای (از کاملاً شبیه من ۵ تا کاملاً برعکس من ۱) است. پارک و همکاران (۲۰۰۴) این پرسشنامه را مورد روانسنجی قرار دادند و ضریب آلفای کرونباخ آن را ۰/۷۷ و پایایی بازآزمایی در فاصله ۹ ماهه را ۰/۷۳ گزارش کردند. همچنین روایی محتوایی آن را برابر ۰/۷۰۲ گزارش کردند. در ایران نیز، خسروچردی و همکاران (۱۳۹۹) در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن، جهت بررسی پایایی و روایی پرسشنامه از ضریب همسانی درونی و روایی همگرا، روایی واگرا و تحلیل عاملی تاییدی استفاده کردند. براساس نتایج همبستگی معنادار مقیاس توانمندی‌های منش با شادی و خودکارآمدی ($p < 0.01$; $r = 0.28 - 0.56$) موید روایی همگرا و با خودناتوان سازی ادعایی، رفتاری و خودناتوان سازی عمومی ($p < 0.01$ و $r = 0.47 - 0.61$) موید روایی واگرا است. مقادیر ضرایب آلفای کرونباخ این سازه برای فضائل ۰/۷۹ تا ۰/۹۷ است و پایایی مقیاس با فاصله زمانی ۱۵ روز ۰/۷۶ تا ۰/۹۴ گزارش کردند (خسروچردی و همکاران، ۱۳۹۹). در مطالعه حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۸۱ به دست آمد.

پکیج آموزشی روان‌درمانی مثبت نگر گروهی: در این پژوهش مداخله روان‌درمانی مثبت نگر گروهی براساس پکیج آموزشی /درمانی (کونیلیام، ۱۹۹۵؛ ترجمه خانجانی، ۱۳۹۸) بود که در طی هشت جلسه‌ای ۹۰ دقیقه‌ای و به صورت هفته‌ای یک جلسه برای شرکت کنندگان در تحقیق برگزار شد. در ادامه خلاصه جلسات ارائه شده است:

جدول ۱. خلاصه جلسات آموزش روان‌درمانی مثبت نگر (کونیلیام، ۱۹۹۵؛ ترجمه خانجانی، ۱۳۹۸)

ردیف	محتوای جلسات	تکلیف
اول	اهداف: تشریح چگونگی انجام کار، علت انتخاب افراد، آشنایی با مفهوم مثبت اندیشی و آشنایی با گروه ومقررات حاکم بر آن.	در پایان به شرکت کنندگان گفته شد که انتظارات خود را با توجه به مباحث مطرح شده جهت شرکت در گروه برای جلسه بعدی تعیین نمایند و نموده‌هایی از افکار مثبت و منفی غیر از آنچه در گروه گفته شد آماده نمایند.
دوم	اهداف: آشنایی با افکار منفی و راه‌های تعدیل آن، تفکر مثبت و تاثیر آن بر سلامتی و طول عمر افراد	یک موضوع مثبت ویک موضوع منفی را انتخاب نموده و آن را در ذهن خود مجسم نمایید و سپس

1.the schedule of sexist events

2.Klonoff & Landrine

3.values in action inventory of strengths scale (via-youth)

تصویر آن را به خاطر بیاورید (مانند، من آدم ناتوانی هستم).	
اهداف: آشنایی با افکار منفی راه‌های تعدیل آن، تفکر مثبت و تاثیر آن بر سلامتی و طول عمر افراد	سوم
اهداف: آموزش مثبت بودن از طریق به چالش کشاندن افکار منفی، تغییر تصاویر ذهنی، استفاده از زبان سازنده و تجدید نظر در باورها	چهارم
اهداف: آموزش مثبت بودن از طریق نهادینه کردن استراتژی تفکر مثبت در زندگی، استمرار در تمرین افکار مثبت، فرصت‌های تفکر مثبت از طریق کنار آمدن و سازگاری با مشکلاتی که نمی‌توانیم آن‌ها را حل کنیم.	پنجم
اهداف: امتحان مثبت‌زندگی کردن از طریق ایجاد یک رابطه مثبت، سلامتی پیش‌نیاز مثبت‌نگری، برقراری روابط خوب با اطرافیان داشتن از صمیم قلب	ششم
اهداف: مثبت بودن از طریق آموزش شیوه توقف فکر، آرام‌سازی و تغییر نگرش‌ها شامل الزام، مهار کردن و مبارزه طلبی.	هفتم
اهداف: وارد کردن خنده به زندگی، ایجاد اعتماد به نفس و ایجاد عادت مطلوب تمرین توانایی اعتماد به توانمندی‌های خود.	هشتم

یافته‌ها

براساس یافته‌ها میانگین و انحراف معیار سنی در گروه آزمایش به ترتیب ۳۲/۷۵، ۴/۹۳ و در گروه کنترل به ترتیب برابر ۳۳/۱۹، ۵/۰۸ بود. همچنین در هر دو گروه کمترین فراوانی دارای تحصیلات سیکل و دیپلم (گروه کنترل ۲۰ درصد، گروه آزمایش ۱۰/۵۲ درصد) و بیشترین فراوانی در هر دو گروه فوق دیپلم و لیسانس (گروه کنترل ۴۵ درصد، گروه آزمایش ۵۲/۶۳ درصد) بودند. در هر دو گروه کمترین فراوانی شاغل بودند (گروه کنترل ۴۰ درصد، گروه آزمایش ۴۲/۱۰ درصد). در هر دو گروه کمترین فراوانی دارای بیشتر از دو فرزند (گروه کنترل ۵ درصد، گروه آزمایش ۵/۲۶ درصد) و بیشترین فراوانی در هر دو گروه بدون فرزند (گروه کنترل ۵۵ درصد، گروه آزمایش ۴۷/۳۶ درصد) بودند. در ادامه میانگین و انحراف معیار متغیرها و نتایج آزمون شاپیرو-ویلک ارائه شده است (جدول ۲).

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در گروه‌های مورد مطالعه و نتایج آزمون شاپیرو-ویلک

متغیر	گروه	مرحله	میانگین	انحراف معیار	آماره Z	P
رویدادهای تبعیض آمیز جنسیتی	کنترل	پیش آزمون	۷۷/۲۱	۷/۸۷	۰/۹۶۸	۰/۷۱۵
	روان‌درمانی مثبت نگر	پس آزمون	۷۶/۵۹	۸/۱۹	۰/۹۷۸	۰/۹۱۲
توانمندی‌های منشی	کنترل	پیش آزمون	۵۱/۶۸	۷/۷۶	۰/۹۷۲	۰/۰۲۱
	روان‌درمانی مثبت نگر	پس آزمون	۷۵/۰۵	۷/۳۹	۰/۹۶۰	۰/۷۹۱
	کنترل	پیش آزمون	۷۴/۲۳	۷/۱۸	۰/۹۷۱	۰/۷۷۷
	روان‌درمانی مثبت نگر	پس آزمون	۷۴/۱۶	۷/۳۳	۰/۹۶۲	۰/۵۴۴
	کنترل	پس آزمون	۱۱۹/۵۲	۱۰/۲۸	۰/۹۳۶	۰/۲۱۷

در جدول ۲ میانگین متغیرهای پژوهش در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون ارائه شده است. چنانچه نتایج نشان می‌دهد تفاوت بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه آزمایش دیده می‌شود که در ادامه به منظور بررسی معناداری این تفاوت‌ها از آزمون آماری تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده می‌شود. همچنین نتایج آزمون فرض نرمال بودن توزیع متغیرها (شاپیرو-ویلک) حاکی از نرمال بودن توزیع

متغیرهای پژوهش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون (به غیر از پیش‌آزمون رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در گروه آزمایش) بود. بعلاوه نتایج آزمون همگنی واریانس‌های (لوین) نتایج نشان داد که واریانس‌های متغیر وابسته در گروه‌های آزمایش و گواه برابر بود (رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی، $F=2/53$ ، $P=0/120$ ؛ توانمندی‌های منشی، $F=2/48$ ، $P=0/123$). همچنین نتایج مفروضه همگنی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس (آزمون M-Box) حاکی از عدم تفاوت بین واریانس‌ها متغیرها است ($M\text{-Box}=6/801$ ، $F=2/134$ ، $P=0/094$). بنابراین، برای انجام ادامه تحلیل مانعی وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج مربوط به شاخص‌های اعتباری تحلیل کوواریانس چندمتغیری متغیرهای پژوهش

اثر	شاخص‌های اعتباری	ارزش	مقدار F	df فرضیه	df خطا	سطح معناداری	ضریب اتا	توان آماری
گروه	اثر پیلایی	۰/۹۱۹	۲۲۱/۸۰۱	۲	۳۴	۰/۰۰۱	۰/۹۱۹	۱
	لامبدای ویلکز	۰/۰۷۱	۲۲۱/۸۰۱	۲	۳۴	۰/۰۰۱	۰/۹۱۹	۱
	اثر هتلینگ	۱۳/۰۴۷	۲۲۱/۸۰۱	۲	۳۴	۰/۰۰۱	۰/۹۱۹	۱
	بزرگترین ریشه روی	۱۳/۰۴۷	۲۲۱/۸۰۱	۲	۳۴	۰/۰۰۱	۰/۹۱۹	۱

نتایج مربوط به شاخص‌های اعتباری تحلیل کوواریانس چندمتغیری، نشان داد که اثر گروه بر ترکیب متغیر ($F=221/80$ ، $P<0/01$) معنی‌دار بود. مجذور اتا نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیر وابسته معنی‌دار بود. در ادامه نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری برای متغیرهای پژوهش ارائه شد است (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری برای متغیرهای پژوهش

منبع	متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری	ضریب اتا	توان آماری
پیش‌آزمون	رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی	۹/۷۴۰	۱	۹/۷۴۰	۰/۱۲۱	۰/۷۳۰	۰/۰۰۳	۰/۰۶۳
گروه	توانمندی‌های منشی	۵۵/۵۰۲	۱	۵۵/۵۰۲	۱/۱۳۲	۰/۲۹۵	۰/۰۱۳	۰/۱۷۹
خطا	رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی	۲۹۷۰۳/۳۸	۱	۲۹۷۰۳/۳۸	۳۶۹/۶۳	۰/۰۰۱	۰/۹۱۴	۱
	توانمندی‌های منشی	۶۰۸۷/۲۳۹	۱	۶۰۸۷/۲۳۹	۱۲۴/۱۱	۰/۰۰۱	۰/۷۸	۱
	رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی	۲۷۱۲/۵۵۹	۳۵	۸۰/۳۵۹				
	توانمندی‌های منشی	۱۷۱۶/۶۵۲	۳۵	۴۹/۰۴۷				

براساس نتایج جدول ۴ بین دو گروه آزمایش و کنترل در متغیرهای رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و توانمندی‌های منشی تفاوت معنادار وجود دارد. مجذور اتا، نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه به برای رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی ($F=369/63$ ، $P<0/01$) و توانمندی‌های منشی ($F=124/11$ ، $P<0/01$) است. بدین معنا که روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی بر رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و توانمندی‌های منشی در زنان دارای اختلال ملال قبل از قاعدگی تاثیرگذار است و موجب کاهش رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و افزایش توانمندی‌های منشی زنان دارای اختلال ملال قبل از قاعدگی در گروه آزمایش شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی بر رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و توانمندی‌های منشی در زنان دارای اختلال ملال قبل از قاعدگی صورت گرفت. نتایج نشان داد که روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی موجب کاهش رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در زنان دارای اختلال ملال قبل از قاعدگی شده است. با توجه به اینکه تاکنون مطالعه‌ای به صورت مستقیم به این موضوع نپرداخته است، امکان مقایسه نتایج به دست آمده میسر نگردید. لذا به مطالعات مشابه استناد می‌گردد. براین اساس مطالعه حاضر با

یافته‌های کاظمی و همکاران (۱۳۹۹) و بینویت و گابولا (۲۰۲۱) مبنی بر تاثیر روان‌درمانی مثبت‌نگر بر کارکردهای جنسیتی و بهزیستی روانشناختی/عاطفی همسو بود.

این یافته براساس عقیده برخی از روانشناسان اجتماعی قابل تبیین است. چنانچه در این خصوص یک دیدگاه نشان می‌دهد که درک تعصب می‌تواند مفید باشد زیرا به اعضای گروه‌های محروم کمک می‌کند تا نقش علیت خود را در ایجاد نتایج منفی کاهش دهند (لی و همکاران، ۲۰۲۱). در این خصوص کیوازا^۱ و همکاران (۲۰۲۴) استدلال کردند که انتساب به پیش‌داوری یا رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی برای نتایج منفی می‌تواند از عزت نفس محافظت کند و تاثیر مثبت داشته باشد، زیرا آن‌ها افراد را تشویق می‌کنند تا نتایج منفی خود را به تعصب دیگران نسبت دهند. براین اساس وجود دیدگاه مثبت می‌تواند نتیجه چنین دیدی را معکوس نماید. به بیانی دیگر زمانی که زنان دارای اختلال ملال قبل از قاعدگی رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی را تجربه می‌کنند، وجود روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی به آنان کمک نمود تا دیدگاهی متفاوت در خصوص مشکل (اختلال ملال قبل از قاعدگی) خود اقتباس کنند. در واقع برخلاف نام روان‌درمانی مثبت‌نگر، تمرکز اصلی این شیوه درمان بر جنبه‌های مثبت تجارب انسانی نیست. بررسی زندگی یک فرد بدون تجارب منفی آن امکان‌پذیر نیست و این در حالی است که مراجعین در جلسات درمان نیز بیشتر تمایل دارند درباره جنبه‌های منفی زندگی خود حرف بزنند زیرا صحبت درباره آن‌ها را مؤثرتر می‌دانند (رشید، ۲۰۲۴). در روان‌درمانی مثبت‌نگر در عین اینکه این هیجان‌ها معتبر شمرده می‌شوند، مراجع تشویق می‌شود که ابعاد بالقوه مثبت این رویدادهای منفی را در زندگی خود بیرون بکشد. پژوهش‌ها نشان داده است که این شیوه تفکر درباره رویدادهای منفی زندگی باعث رشد روانشناختی مراجع می‌شود. همچنین مراجع در طول روان‌درمانی یاد می‌گیرد که چگونه با این تجارب منفی روبه‌رو شده و چگونه آن‌ها را دوباره در ذهن بازسازی کند که مفید و کمک‌کننده باشد (سلیگمن، ۲۰۱۱).

همچنین نتایج به دست آمده نشان داد که روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی بر توانمندی‌های منشی در زنان دارای اختلال ملال قبل از قاعدگی تاثیر گذار است و موجب افزایش آن شده است. این یافته با نتایج نواب‌دانشمند و همکاران (۱۴۰۰)، هندراکس و همکاران (۲۰۲۱) و خراسانی و همکاران (۱۴۰۲) همسو بود. در تبیین نتیجه این پژوهش می‌توان گفت که روان‌شناسی مثبت‌نگر با تأکید بر توانمندی‌ها و پرورش استعدادها توانسته است در افزایش احساس و هیجانات مثبت و تفکر مثبت مؤثر باشد. افزایش شادمانی و کاهش نگرش‌های ناکارآمد از عواملی هستند که نشان‌دهنده سلامت روان افراد است، با توجه به این‌که در روان‌شناسی مثبت‌نگر بر افزایش شادمانی و شاد زیستن، اصلاح افکار، استفاده از نقاط قوت و توانمندی‌ها تأکید شده است، تمرینات و جلسات آموزشی روان‌شناسی مثبت‌نگر موجب افزایش حالت‌های روان‌شناختی (مانند شادکامی و تفکر مثبت) تأکید بر توانمندی‌ها و پرورش آن‌ها شده است (رشید و نیمیک، ۲۰۲۴). علاوه بر تبیین دیگری می‌توان گفت تجربه‌های مثبت فرصت‌هایی را برای فرد فراهم می‌کند تا بتواند با ساختن منابع شخصی پایدار و گسترش تفکر - عمل لحظه‌ای، قادر به ادراک احتمال‌های بیشتری شود و در یک حالت مثبت جسمی و ذهنی با شرایط سخت زندگی، بهتر کنار بیاید (بروج و استیگ^۲، ۲۰۲۱). با توجه به پروتکل روان‌درمانی مثبت‌نگر، این مدل درمانی بر مؤلفه‌هایی در جلسات درمانی تأکید دارد که بستری برای افزایش احساسات مثبت فراهم می‌کند؛ آموزش نحوه واکنش فعال - سازنده که راهبردی مثبت برای تقویت ارتباطات مثبت است. تشکر و قدردانی که به نوعی رضایت درونی، ایجاد و فرد را بر داشته‌هایش متمرکز می‌کند. امید و خوش‌بینی به فرد ذهنیت رو به جلو می‌دهد. تمام این مؤلفه‌ها می‌توانند یک راه برون‌رفتی از طریق عادت کردن به پیام‌دهنده خوب بودن باشد و موجب رشد و تسهیل فضیلت‌گرایی و نیرومندی هرچه بیشتر کارکردهای مثبت روانشناختی شود. همچنین، روان‌درمانی مثبت‌نگر با تأکید بر حوزه‌های توانمندی شخصی مراجع و جلوگیری از رشد و تداوم احساسات منفی موجب افزایش خودکارآمدی در فرد می‌شود (سیف، ۱۳۹۹).

در مجموع، می‌توان بیان کرد که ارائه روان‌درمانی مثبت‌نگر به این زنان موجب تغییر در احساسات، تجربه هیجانات مثبت، پذیرش احساسات منفی و تمرکز بر توانمندی‌های منشی و شناخت تازه‌تر و نگرش جدیدتر و کارآمدتری نسبت به خود و محیط شده است (سیف، ۱۳۹۹). به عبارت ساده‌تر، وقتی این زنان تجارب منفی و در نتیجه؛ خلق منفی دارند، دچار دید تونلی می‌شوند که اغلب به تفکر منفی و بدبینانه منجر می‌شود. این تفکر منفی موجب خلق منفی بیشتر می‌شود. در مقابل، با ارائه تکنیک‌های روان‌درمانی مثبت‌نگر و کسب تجربه هیجان‌های به این زنان اجازه می‌دهد احتمال‌های بیشتری را در نظر گرفته و خوش‌بینانه‌تر بیاندیشند (لی و همکاران، ۲۰۲۱).

در نهایت نتایج حاصل از این پژوهش، بیانگر سودمندی روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی بر رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و توانمندی‌های منشی در زنان دارای اختلال ملال قبل از قاعدگی بوده و مشاوران و درمانگران خانواده می‌توانند از یافته‌های پژوهش حاضر در

راستای مداخلات بالینی و درمانی استفاده کنند. عدم کنترل ویژگی‌های شخصیتی و هیجانی نمونه‌های مورد مطالعه یکی از محدودیت‌های این مطالعه بود. زیرا ویژگی‌های فردی و هیجانی یکی از عوامل تأثیرگذار بر متغیرهای مطرح در این پژوهش است. همچنین استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس یکی دیگر از محدودیت‌ها است. براین اساس پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آتی ویژگی‌های شخصیتی و هیجانی نمونه‌های مورد پژوهش از طریق پرسشنامه کنترل گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد از روش‌های نمونه‌گیری احتمالی (تصادفی) به منظور انتخاب نمونه آماری بهره گرفته شود.

منابع

- انجمن روان‌پزشکی آمریکا. (۲۰۲۲). *راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی DSM-5-TR* ویراست پنجم. مترجم سیدمحمدی، ی. (۱۴۰۲). تهران: نشر روان. <https://ravabook.ir/dsm-5>
- خانجانی، م. (۱۳۹۸). کتاب راهنمای عملی روان‌درمانی مثبت‌نگر (ویژه درمانگران و مشاوران). تهران: انتشارات آوای نور. <https://www.iranketab.ir>
- خراسانی، ا.، متین‌سب، م.، و ترابی، ا. (۱۴۰۲). مقایسه اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر و درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، بر انعطاف‌پذیری شناختی، تحمل پریشانی و توانمندی‌های منش زنان مطلقه. *خانواده پژوهی*، ۱۹(۱)، ۱۲۵-۱۴۵. <https://doi.org/10.48308/JFR.19.1.125>
- خسروچردی، ز.، حیدری، م.، قنبری، س.، و پاکدامن، ش. (۱۳۹۹). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی سیاهه ارزش‌ها در عمل از مقیاس توانمندی‌های نوجوانان. *روان‌شناسی کاربردی*، ۱۴(۳)، ۲۲۳-۲۴۳. <https://doi.org/10.52547/apsy.2021.216210.0>
- دلاور، ع. (۱۳۹۹). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد. <https://www.adinehbook.com/gp/product>
- سیف، ع. ا. (۱۳۹۹). کتاب روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: ناشر: دوران. <https://www.gisoom.com/book/1684268>
- سیه‌بازی، ش.، حریری، ف.، منتظری، ع.، و مقدم‌بنائم، ل. (۱۳۹۰). استاندارد سازی پرسشنامه غربالگری علایم قبل از قاعدگی: PSST: ترجمه و روان‌سنجی گونه ایرانی، پایش، ۱۰ (۴)، ۴۲۷-۴۲۱. <http://payeshjournal.ir/article-1-495-fa.html>
- کاظمی، آ.، گل‌پرور، م.، و آتش‌پور، ح. (۱۳۹۹). مقایسه تأثیر درمان پذیرش خود ذهن‌آگاهانه و روان‌درمانی مثبت‌نگر بر سرمایه‌عاطفی دانش‌آموزان دختر دارای افسردگی. *دوماه‌نامه علمی-پژوهشی فیض*، ۲۴(۲)، ۲۰۸-۱۹۸. <http://feyz.kaums.ac.ir/article-1-4106-fa.html>
- نواب‌دانشمند، م.، شریفی، ط.، مشهدی‌زاده، ش.، و احمدی، ر. (۱۴۰۰). اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر بر توانمندی روانی و رفتارهای ارتقا سلامت پرستاران. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۴(۱۷۹)، ۴۱۶۰-۴۱۷۳. <https://doi.org/10.22038/mjms.2021.20065>
- Anna, W., Julia, S., Marie, B., Angelica, L. Hirschberg, H., Neill, E., & Inger, S. P. (2022). Prevalence and correlates of current suicidal ideation in women with premenstrual dysphoric disorder. *Womens Health*; 22, 35-45. <https://doi.org/10.1186/s12905-022-01612-5>
- Biggs, W.S., & Demuth, R.H. (2021). Premenstrual syndrome and premenstrual dysphoric disorder. *American family physician*, 84(8), 918-924. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/22010771>
- Brosch, T., & Steg, L. (2021). Leveraging emotion for sustainable action. *One Earth*, 4(12), 1693-1703. <http://dx.doi.org/10.1016/j.oneear.2021.11.006>
- Coffman, K.B., Exley, C. L., & Niederle, M. (2018). *When gender discrimination is not about gender*. Boston: Harvard Business School. https://web.stanford.edu/~niederle/CEN_discrimination.pdf
- Cohen, L., Soares, C., Otto, M., Sweeney, B., Liberman, R., & Harlow, B. (2020). Prevalence and predictors of premenstrual dysphoric disorder (PMDD) in older premenopausal women. The Harvard Study of Moods and Cycles. *Journal of Affect Disord*; 70:125-132. [https://doi.org/10.1016/s0165-0327\(01\)00458-x](https://doi.org/10.1016/s0165-0327(01)00458-x)
- Cuevas, A.G., Williams, D.R., Krobath, D.M., Lyngdoh, A., Kaba-Diakité, F., & Allen, J.D. (2024). The cost of doubt: assessing the association between attributional ambiguity and mental health. *public health*, 24(1), 126-130. <https://doi.org/10.1186/s12889-024-17664-1>
- Gao, M., Gao, D., Sun, S., Cheng, C., & Li, A. (2021). Trends in Research Related to Premenstrual Syndrome and Premenstrual Dysphoric Disorder From 1945 to 2018: A Bibliometric Analysis. *Front Public Health*; 9, 59- 65. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2021.596128>
- Hendriks, T., Schotanus-Dijkstra, M., Graafsma, T., Bohlmeijer, E., & Jong, J. (2021). Positive emotions as a potential mediator of a multicomponent positive psychology intervention aimed at increasing mental well-being and resilience. *International Journal of Applied Positive Psychology*, 6, 1-21. <https://link.springer.com/article/10.1007/s41042-020>
- Kelly, D. S., Sabharwal, S., Ramsey, D. J., & Morkin, M. I. (2023). The effects of female sex hormones on the human cornea across a woman's life cycle. *ophthalmology*, 23(1), 358-365. <https://doi.org/10.1186/s12886-023-03085-y>
- Klonoff, E. A., Landrine, H., & Campbell, R. (2000). Sexist Discrimination May Account for Well-Known Gender Differences in Psychiatric Symptoms. *Psychology of Women Quarterly*, 24, 93-99. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1471-6402.2000.tb01025.x>
- Klonoff, E.A., & Landrine, H. (1995). The schedule of sexist events: A measure of lifetime and recent sexist discrimination in women's lives. *Psychology of Women Quarterly*, 19, 439-472. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1471-6402.1995.tb00086.x>

اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر گروهی بر رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و توانمندی‌های منشی در زنان دارای اختلال ملال پیش از قاعدگی
The Effectiveness of group-based positive psychotherapy on Gender- sexism events and character strengths in Women ...

- Krifa, I., Hallez, Q., van Zyl, LE., Braham, A., Sahli, J., Ben Nasr, S., Shankland, R. (2021). Effectiveness of an online positive psychology intervention among Tunisian healthcare students on mental health and study engagement during the Covid-19 pandemic. *Appl Psychol Health Well Being*, 12, 126-131. <https://doi.org/10.1111/aphw.12332>.
- Lara, T., & Rossella, E. (2022). Recent advances in understanding/management of premenstrual dysphoric disorder/premenstrual syndrome. *Journal Faculty Reviws*, 11, 351-365. <https://doi.org/10.12703/r/11-11>.
- Le, T.P., Iwamoto, D. K., & Samee, A. A. (2022). Examining the association between sexism, self-objectification, empowerment, and alcohol-related problems: Pathways through drinking to cope. *Addictive Behaviors*, 120, 106964. <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2021.106964>.
- Le, T.P., Iwamoto, D.K., & Samee, A.A. (2021). Examining the association between sexism, self-objectification, empowerment, and alcohol-related problems: Pathways through drinking to cope. *Addictive Behaviors*, 120, 1066-1075. <https://doi.org/10.1016/j.addbeh.2021.106964>.
- Mohebbi Dehnavi, Z., Torkmannejad Sabzevari, M., Rastaghi S., & Rad, M. (2017). A survey on the association of premenstrual syndrome with type of temperament in high school students. *The Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*; 20, 15–23. <https://doi.org/10.22038/ijogi.2017.9076>.
- Nourian, L., Golparvar, M., & Aghaei, A. (2022). Effectiveness Distinctions of Positive Psychotherapy and Acceptance and Commitment Therapy on Flourishing and Psychological Flexibility of Depressed Women. *The Journal of Aging Research & Clinical Practice*, 3(4), 15-29. <https://doi.org/10.61838/kman.jarac.3.4.2>.
- Peterson, C., & Seligman, M.E.P. (2004). *Character strengths and virtues: A handbook and classification*. New York/Oxford/Washington, DC: Oxford University Press. <http://dx.doi.org/10.1176/appi.ajp.162.4.820-a>.
- Rashid, T. (2024). Positive psychotherapy. In *Encyclopedia of quality of life and well-being research* (pp. 5326-5333). Cham: Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-031-17299-1_3378.
- Rashid, T., & Niemiec, R. M. (2024). Character strengths. In *Encyclopedia of Quality of Life and Well-Being Research* (pp. 723-730). Cham: Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-031-17299-1_309.
- Rashid, T., & Seligman, M. P. (2018). *Positive psychotherapy: Clinician manual*. Oxford University Press. <http://dx.doi.org/10.1093/med-psych/9780195325386.001.0001>.
- Reilly, T.J., Patel, S., Unachukwu, I.C., Knox, C & Cullen, A.E. (2024). The prevalence of premenstrual dysphoric disorder: Systematic review and meta-analysis. *Journal of Affective Disorders*, 349, 534-540. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2024.01.066>.
- Russell, H., Aouad, P., Le, A., Marks, P., & Maguire, S. (2023). Psychotherapies for eating disorders: findings from a rapid review. *Journal of eating disorders*, 11(1), 175. <https://doi.org/10.1186/s40337-023-00886-w>.
- Seligman, M.E.P. (2011). *Flourish: A visionary new understanding of happiness and well-being*. New York: Free Press. <https://scottbarrykaufman.com/wp-content/uploads/Seligman>.
- Steinner, M.M., & Brown, E. (2003). The premenstrual symptoms screening tool (PSST) for clinicians. *Archives of Women's Mental Health*, 6, 203-209. <https://doi.org/10.1007/s00737-003-0018-4>.
- Takeda, T. (2023). Premenstrual disorders: premenstrual syndrome and premenstrual dysphoric disorder. *Journal of Obstetrics and Gynaecology Research*, 49(2), 510-518. <https://doi.org/10.1111/jog.15484>.
- Wagner, L., & Ruch, W. (2023). Displaying character strengths in behavior is related to well-being and achievement at school: Evidence from between- and within-person analyses. *The Journal of Positive Psychology*, 18(3), 460–480. <https://doi.org/10.1080/17439760.2022.2109196>.
- Yurrebaso, A., Guzmán-Ordaz, R., Picado-Valverde, E., & Jáñez González, Á. (2024). Toward Gender Understanding: Examining Ambivalent Sexism among University Students and Its Impact on Faculty Evaluation. *Societies*, 14(4), 48. <https://doi.org/10.3390/soc14040048>.